شبهه‌ها و پاسخ‌ها

حضرت یوسف (ع) و احترام پدر و مادر

شبهه: آیا حضرت یوسف (ع) به پدرش احترام نگذاشت و پیامبری از نسلش برداشته شد؟

پاسخ: بنابر روایتی، امام صادق(ع) می‌فرماید: علت به پیامبر نرسیدن فرزندان یوسف(ع) به خاطر آن است که وقتی پدرش به مصر نزد او رفت، یوسف(ع) به خاطر غرور و شکوه حکومت، دیرتر از پدر از اسب پایین آمد و خداوند به‌خاطر این ترک اولی از نسل او پیامبری قرار نداد.(۱)

در بررسی این روایت به مرسل (ضعیف) بودن روایت پی می‌بریم و در سلسله سند بین دو راوی افتادگی هست(۲) لذا نمی‌توان این روایت را قبول کرد.

اما آیات قرآن تصریح بر آن دارند که یوسف(ع) نهایت احترام را در حق پدر نگهداشت و طبق فرمان الهی عمل می‌کرد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيهِ أَبَوَيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللهُ آمِنِينَ(یوسف /۹۹)؛ و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت: همگی داخل مصر شوید که ان‌شاءالله در امن و امان خواهید بود.»

از جملات این آیه شریفه استفاده می‌شود که حضرت یوسف(ع) در خارج شهر به استقبال پدر و همراهانش رفته بود و در انتظار قدوم آنان به سر می‌برد و هنگامی که پدر و همراهانش وارد شدند، حضرت یوسف نسبت به آنان اظهار محبّت ویژه‌ای کرد و پس از انجام دادن مراسم استقبال، از پدر و همراهانش خواست تا به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند؛ در غیر این صورت واژه ورود و دخول جایگاهی نداشت، بلکه کلمه ملاقات و مانند آن مناسب بود.

علامه طباطبایی با اینکه بحث مفصلی پیرامون داستان حضرت یوسف ارائه می‌دهند، هیچ اشاره‌ای به پیاده نشدن حضرت یوسف و قطع شدن رسالت از نسل ایشان نکرده است.(۳)

از طرفی در منابع تاریخی و روایی پیامبرانی دیده می‌شوند که از نسل یوسف هستند. یوشع بن نون بن افرائیم بن یوسف بن یعقوب، پیامبری بود که جانشین حضرت موسی(ع) به شمار می‌آمد.(۴) علاوه‌بر وی در گزارشی یکی دیگر از نوادگان افرائیم بن یوسف به پیامبری رسیده است.(۵) نیز پیامبری به نام یسع از نوادگان افرائیم بن یوسف است.(۶)

بنابراین اولاً: حضرت یوسف به پدر خود احترام گذاشته است؛ ثانیاً: در نسل ایشان چند پیامبر وجود دارد؛ لذا آنچه معروف است که به دلیل کم‌احترامی به پدر و مادر، پیامبری از نسل حضرت یوسف برداشته شده است، اشتباه است و قابل قبول نمی‌باشد.

حافظ شیرازی هم داستان دروغین غرور حضرت یوسف را باور کرده و در غزل شمارهٔ ۴۴۰ می‌گوید:

الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور
پدر را باز پرس آخر، کجا شد مهر فرزندی

پی‌نوشت‌ها:

۱ و ۲. کافی، ج ۲، ص ۳۱۱، دارالکتب الاسلامیة.
۳. المیزان، ج ۱۱، ص ۲۴۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۷۹.
۴. أحکام القرآن، ج۳، ص: ۱۲۴۴
۵. البدایةوالنهایة، ج۱، ص: ۲۲۱
۶. الطبقاتالکبری، ج۱، ص:۴۶؛ المحبر، ص:۳۸۸

استفتاء از رهبر شهید انقلاب اسلامی

وسایل پیدا شده در مدرسه

س) مدرسه ما وسایل پیدا شده را جمع‌آوری می‌کند و بعد از اینکه صاحب آن پیدا نشد، اطلاع می‌دهد که هر کس می‌خواهد وسایل پیدا شده را برای خودش بردارد، آیا چنین کاری جایز است؟

ج) موارد مختلف است؛ اگر احتمال داده شود که صاحب وسیله، آن را جا گذاشته باشد، حکم مجهول‌المالک را دارد که می‌بایست خود آن یا قیمتش از طرف صاحبش به فقیر صدقه داده شود ولی چنانچه احراز شود که صاحبش آن را گم کرده است، اگر آنچه که پیدا شده کمتر از درهم (تقریبا دو و نیم گرم نقره که می‌توان قیمت آن را از بازار به‌دست آورد) ارزش داشته باشد، فردی که آن را پیدا کرده می‌تواند برای خودش بردارد و اگر این فرد (به این شرط که به سن بلوغ و رشد رسیده باشد) وسیله را در اختیار مدرسه قرار داده تا در موردش تصمیم بگیرد، برداشتن و استفاده کردن آن برای دیگران با اجازهٔ مدرسه اشکالی ندارد.

نماز شب اول قبر برای چند نفر

س) در مواردی که چند میت در یک روز دفن می‌شوند آیا می‌توان یک نماز لیله‌الدفن (وحشت) برای همه آنها خواند؟

ج) خواندن یک نماز لیله‌الدفن برای چند نفر به قصد رجا مانعی ندارد.

خروج از محل اقامت ده روز

س) آیا قصد اقامت ده روزه در یک روستا، با اینکه می‌داند در بین ده روز، به شهری که در ۱۵ کیلومتری روستاست، رفت و آمد خواهد داشت؛ صحیح و ممکن است؟

ج) در صورتی که قصد داشته باشد به مقداری خارج شود که عرفاً با ماندن ده روز در یک جا منافات ندارد؛ مانند اینکه بخواهد در این مدت، دو سه بار و هر بار حداکثر به مدت نصف روز خارج شود، (و یا اگر تصمیم داشته باشد که هر روز به مدت یک ساعت و نیم (در مجموع ۱۵ ساعت) به کمتر از مسافت شرعی برود و برگردد)، به قصد اقامت او خللی وارد نمی‌شود و نمازش تمام است.

مسح سر

س) آیا می‌شود برای مسح سر به جای فرق باز کردن، روی نوک موی بلند مسح شود، مثلا موی بلندی که از وسط سر تا نزدیک پیشانی رسیده، نزدیک نوک آن را مسح کنیم (نه بن آن را)؟

ج) مسح سر را می‌توانید بر روی پوست و یا موی قسمت جلوی سر بکشید، ولی اگر موی جاهای دیگر سر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلو سر بقدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه‌ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کنید.

حق‌طلبی ضعیف از قوی

رسول خدا جمله عجیبی دارد؛ شما اگر شعاری درباره آزادی و حق‌طلبی، برتر و بالاتر و جاندارتر از این شعار پیدا کردید به من بگویید.

علی(ع) می‌فرماید که من از پیغمبر مکرر این جمله را شنیدم که: لَنْ تُقَدَّسَ امّـةٌ حَتّى يُؤْخَذَ لِلضّعيفِ فيها حَقُّـهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعْتِعٍ؛ یعنی هرگز ملتی و امتی به مقام قداست و پاکی و بزرگی و بزرگواری نمی‌رسد

- می‌گویند لَنْ علامت نفی تأبید است یعنی محال است امتی، ملتی به بزرگی و قداست و پاکی و بزرگواری برسد- مگر آنکه آن ملت به این حال در بیاید که ضعیف در مقابل قوی آزاد باشد، ضعیف حق خودش را از قوی بخواهد در حالی که کوچک‌ترین لکنتی به زبانش نمی‌آید، ضعیف در کمال جرئت و جسارت در مقابل قوی بایستد.

پیغمبر ما می‌گوید تنها آن ملتی رستگار خواهد شد و به مقام قدس و طهارت می‌رسد که این مقدار جسارت در افراد ضعیف در مقابل افراد قوی وجود داشته باشد.

شما در کجای دنیا شعارهایی قوی‌تر و نیرومندتر از این شعارها می‌توانید پیدا کنید؟

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری**
نهضت آزادی‌بخش اسلام (پانزده گفتار)، ج۲۵، ص: ۱۳۸

عوامل ایجاد وحدت از نگاه قرآن

علی نصیری



اتّحاد به معنای یکی شدن، در اصل از ریشه «وحد» به مفهوم یکتایی و یگانگی است. (ترتیب العین، ص ۸۴۲) قرآن به مسئله اتّحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمّیت اتّحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرّف الهی می‌شمارد و برای ایجاد و حفظ چنین یگانگی، ارسال پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند و برای برقراری یگانگی و نیز حفظ آن، راهکارهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده که بخشی از آن، جنبه پیشگیری از تفرقه و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است.

راهکارهای ایجاد و حفظ وحدت

۱. توجه به نقاط مشترک:

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط، انگشت گذاشته و آنان را به یگانه شدن بر محور آن‌ها فراخوانده است. تأکید بر اینکه انسان‌ها همه از خاک آفریده شده (حج/ ۵) یا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند (حجرات/ ۱۳) و این که کرامت انسانی به همه انسان‌ها متعلق بوده [و رنگ و نژاد در آن تأثیر ندارد] (اسراء/ ۷۰) توجه دادن به این نقاط مشترک در یگانگی جهانی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی (آل عمران/۶۴) نیز بدین سبب انجام گرفته است.

۲. چنگ زدن به ریسمان الهی:

قرآن کریم در صریح‌ترین آیه خود، در دعوت به اتّحاد، تمام مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه خوانده است: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و نیز در آیات ۱۴۶ و ۱۷۵ نساء و ۱۰۱ آل عمران از تمسّک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. در اینکه مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسّران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنّت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل‌بیت(ع) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل‌الله را شامل همه این معانی دانسته‌اند.(مجمع البیان، ج ۲، صص ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۸۰۵) با این حال، به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست یعنی قرآن است؛ چنان‌که در روایتی از رسول اکرم(ص) قرآن؛ ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرّفی شده است: کتاب الله هو حبل الله الممدود من السّماء إلى الأرض. (کنز العمّال، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۹۲۳) معرفی قرآن به صورت ثقل اکبر در روایت معروف ثقلین (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۸) نیز مؤید این مدّعا است؛ چنان‌که قرآن، خود از مؤمنان خواسته است تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند رجوع کنند: «فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللهِ» (نساء/ ۵۹) و این رجوع الی الله در روایت حضرت امیر(ع) به رجوع به قرآن تشبیه شده است؛ بنابراین، قرآن افزون بر آنکه می‌تواند در نقش محور یگانگی، ایجادکننده آن باشد می‌تواند در رویکرد اختلافات، یگانگی پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به یگانگی و برحذر

> **قرآن، پس از فراخوانی مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند؛ و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که بسان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده‌اند، پراکنده نشوند.**

قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که خود ممکن است زمینه‌ساز پراکندگی باشد، برطرف کند؛ چنا که حضرت امیر(ع) برای نشان دادن اشتباه خوارج در کج فهمی از آیه «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف/ ۴۰) از ابن عباس می‌خواهد که با سنّت، با آنان به محاجّه بپردازد. (نهج‌البلاغه، صص ۶۰۰ و ۶۴۶)

۴. مراجعه به اهل‌بیت(ع):

قرآن از امامان اهل‌بیت(ع) با عنوان «أُولی الأمر» یاد کرده و اطاعت آنان را در جهت اطاعت خدا و رسول و سخن آنان را حجّت دانسته است: «أَطِيعُواْ اللهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكم» (نساء/ ۵۹) بدین سبب از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود یا فهم دین، به آنان مراجعه کنند: «وَلَوْ رَدّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الّذِينَ يسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُم» (نساء/ ۸۳) و یکی از عوامل معرفی اهل‌بیت در جایگاه ثقل اصغر در روایت ثقلین از سوی پیامبر(ص) نقش مؤثر آنان در ایجاد برای ایجاد و حفظ یگانگی معرفی کرده است: «فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيءٍ فَرُدّوهُ إِلَى اللهِ وَالرَّسُول؛ هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید. (و از آن‌ها داوری بطلبید) (نساء/ ۵۹) بازگرداندن به رسول در روایت حضرت امیر(ع) به مراجعه به سنّت پیامبر تفسیر شده است.

پیامبر(ص) با توجه به عهده‌دار بودن سِمَت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت (نحل/ ۴۴)، افزون بر آنکه خود می‌تواند برطرف‌کننده منازعات و مشاجرات باشد و بدین سبب پذیرش داوری وی مورد تأکید قرآن است (نساء/ ۶۵)، سنّت حضرت به صورت شارح که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: «وَلْتَكن مِّنكمْ أُمَّةٌ يدْعُونَ إِلَى الْخَيرِ وَيأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَينْهَوْنَ عَنِ الْمُنكر» (آل عمران/ ۱۰۴) و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که بسان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده‌اند، پراکنده نشوند: (کشف الاسرار، ج ۲، ص ۲۳۵) «وَلَا تَكونُواْ كالّذِينَ تَفَرّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۵)

این امر نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه‌ای در برقراری اتّحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. برخی مفسران، این نقش را چنین تبیین کرده‌اند که اعتصام به حبل الله، امّت را به‌مثابه جان قرار می‌دهد و دعوت به خیر، این اصل را تغذیه می‌کند و امر به معروف، حافظ و پشتیبان آن است. (المنار، ج ۴، ص ۴۸) از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. (تفسیرنمونه، ج ۳، ص ۳۵) فخر رازی بر این باور است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر به قدرت نیاز دارد و قدرت، به الفت و یگانگی منوط است. (التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۸۰)

افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فریضه الهی، بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است یا از هواپرستی افراد و گروه‌ها سرچشمه می‌گیرد و امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می‌تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافاتی باشد؛ همان گونه که قرآن، عامل تفرقه را نادانی نمی‌داند، زیرا معتقد است: پس از آمدن ادلّه و براهین، پراکنده شده‌اند؛ (نمونه، ج ۲۰، ص ۳۸۱)

بدین جهت گفته شده است که اگر میان یهود، انجام این فریضه رواج داشت، پراکندگی میانشان رخ نمی‌داد. (المنار، ج ۴، صص ۴۷ و ۴۸)

> **قرآن کریم در صریح‌ترین آیه خود، در دعوت به اتّحاد، تمام مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه خوانده است؛ و نیز در آیات ۱۴۶ و ۱۷۵ نساء و ۱۰۱ آل عمران از تمسّک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. در اینکه مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسّران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنّت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل‌بیت(ع) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل‌الله را شامل همه این معانی دانسته‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد که نزدیک‌ترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست یعنی قرآن است**

۵. امر به معروف و نهی از منکر:

قرآن، پس از فراخوانی مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: «وَلْتَكن مِّنكمْ أُمَّةٌ يدْعُونَ إِلَى الْخَيرِ وَيأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَينْهَوْنَ عَنِ الْمُنكر» (آل عمران/ ۱۰۴) و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که بسان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده‌اند، پراکنده نشوند: (کشف الاسرار، ج ۲، ص ۲۳۵) «وَلَا تَكونُواْ كالّذِينَ تَفَرّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۵)

این امر نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه‌ای در برقراری اتّحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. برخی مفسران، این نقش را چنین تبیین کرده‌اند که اعتصام به حبل الله، امّت را به‌مثابه جان قرار می‌دهد و دعوت به خیر، این اصل را تغذیه می‌کند و امر به معروف، حافظ و پشتیبان آن است. (المنار، ج ۴، ص ۴۸) از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. (تفسیرنمونه، ج ۳، ص ۳۵) فخر رازی بر این باور است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر به قدرت نیاز دارد و قدرت، به الفت و یگانگی منوط است. (التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۸۰)

افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فریضه الهی، بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است یا از هواپرستی افراد و گروه‌ها سرچشمه می‌گیرد و امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می‌تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافاتی باشد؛ همان گونه که قرآن، عامل تفرقه را نادانی نمی‌داند، زیرا معتقد است: پس از آمدن ادلّه و براهین، پراکنده شده‌اند؛ (نمونه، ج ۲۰، ص ۳۸۱)

بدین جهت گفته شده است که اگر میان یهود، انجام این فریضه رواج داشت، پراکندگی میانشان رخ نمی‌داد. (المنار، ج ۴، صص ۴۷ و ۴۸)

۶. مراعات حقوق برادری:

قرآن، مؤمنان را به‌مثابه جان‌های یکدیگر دانسته، از آنان می‌خواهد که به خویشتن عیب نگیرند: «وَ لَا تَلْمِزُواْ أَنفُسَكم» (حجرات/ ۱۱) و بر حرمت سوء ظن، حرمت تجسّس، (حجرات/ ۱۲) و تهمت‌های ناروا، (نور/ ۲۳) پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به‌مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است (حجرات/ ۱۲) و به سبب همسویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق بر شمرده و عدم پیروی از راه آنان را همسنگ مخالفت با پیامبر(ص) دانسته است (نساء/ ۱۱۵)، قرآن از مؤمنان خواسته است تا بسان بهشتیان، کینه‌ها از دل‌هایشان زدوده شود (حجر/ ۴۷)، و درون جان‌شان به هم مهر ورزند و از خداوند، بخشیدن برادران دینی را پیش از خود و نیز زدودن کینه درباره برادران دینی را بخواهند: «رَبّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوانِنَا الّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلاً لِلّذِينَ ءَامَنُوا» (حشر/ ۱۰) در روایات اسلامی بر اهمّیت پیوند برادری و کوشش برای استحکام آن با انجام اموری چون به دیدار هم رفتن، هدیه دادن و... نیز حقوق برادران ایمانی تأکیدهای فراوانی شده است. (الکافی، ج ۲، صص ۱۷۰ و ۱۷۱) در روایتی از امام کاظم(ع) برای برادر ایمانی، هفت حق معرّفی شده که با عدم مراعات هر یک از آن‌ها، از ولایت الهی خارج می‌شود. (همان، ص ۱۶۹)

۷. اصلاح ذات‌البین:

به‌رغم وجود عناصر اتّحاد همچون وحدت عقیده، رهیافت اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدّی طبیعی و جزو رهاوردهای زندگی اجتماعی است. این اختلاف می‌تواند در اعتراض به چگونگی تقسیم بیت‌المال باشد (انفال/ ۱) یا بر سر اموری که تا سرحدّ صف‌آرایی و جنگ در برابر یکدیگر منتهی شود (حجرات/ ۹)؛ اما قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و به منظور ماندگاری یگانگی پیشین مؤمنان، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه مداخله کنند (حجرات/ ۹) و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح فیمابین اقدام نمایند (انفال/ ۱)؛ چنان‌که برای رفع اختلاف در نهاد خانواده، پا در میانی داوری از دو طرف را برای اصلاح میان زن و شوهر پیشنهاد می‌کند. (نساء/ ۳۵) در روایات بسیاری بر اهمیت و جایگاه اصلاح ذات‌البین تأکید شده و حضرت امیر(ع) در وصیت‌نامه خود با استناد به روایت رسول اکرم(ص) آن را برابر با یک سال نماز و روزه دانسته است. (نهج‌البلاغه، ص ۵۸۱)

۸. برنامه‌های عبادی:

در اسلام، تشریع عبادات به گونه‌ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرا می‌خواند.

الف) دعا: قرآن، افزون بر دعوت از مؤمنان به مناجات با خداوند (غافر/ ۶۰)، خود، در بردارنده عالی‌ترین مضامین دعا است و بررسی مضامین این دعاها نشان می‌دهد که غالب آن‌ها به صورت جمع ارائه شده است؛ نظیر آیات ۱۹۱ تا ۱۹۴ آل عمران سفارش به دعا برای چهل مؤمن پیش از دعا برای خود، (الخصال، ص ۵۳۸) از آن حکایت دارد که اسلام به روح یگانه نگریستن امّت، تأکید فراوان دارد.

ب) نماز: نماز، نماد عبادت در اسلام است و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه‌روز، ده بار سوره فاتحه را که جامع و همسنگ همه قرآن است، (المیزان، ج ۱، ص ۴۰) در نمازهای خود قرائت کند. با آن که کلمات این سوره از زبان یک شخص ادا می‌شود، در خطاب‌های آن، از ضمایر و هیئت جمع استفاده شده است؛ نظیر «إِيّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيم»؛ چنان‌که از مسلمانان خواسته شده است هنگام نماز، همگی رو به کعبه بایستید. (بقره/ ۱۴۴) این امر نشان می‌دهد که قرآن در پی ایجاد روح همگرایی و جمع نگری در دل هر مسلمان است؛ هر چند که تنها به نماز ایستاده باشد.

ج) نماز جماعت: تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت: «وَ ارْكَعُواْ مَعَ الرّاكِعِين» (بقره/ ۴۳) و نیز نوید دادن ثواب‌های فراوان بر اقامه آن در روایات، از جمله برنامه‌های عبادی اسلام برای ایجاد همگرایی است.

د) نماز جمعه: قرآن به بر پایی نماز جمعه و رها ساختن تمام کارها از جمله بیع برای ادای آن، تأکید کرده است. (جمعه/ ۹) بدون تردید، حضور در نماز جمعه در هفته یک بار در کنار حضور روزانه در نماز جماعت، راهکاری برای ایجاد پیوند و یگانگی بیشتر مؤمنان به شمار می‌رود و تأکید بر حضور مؤمنان در اجتماعات، به همین امر ناظر است. (نور/ ۶۲)

ه) مناسک حج: قرآن یکی از حکمت‌های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است: «لِيشْهَدُواْ مَنَافِعَ لَهُم.» (حج/ ۲۸) پیداست که از مهم‌ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هر چه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است. (المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۹) چنان‌که حرمت جدال و منازعه در حج (بقره/ ۱۹۷) و بر تن کردن لباس‌های یکرنگ و ساده احرام و انجام مناسک حج همزمان و در کنار یکدیگر، همین هدف را دنبال می‌کند.

از: پاسدار اسلام، شماره ۲۶۹

معناشناسی اصطلاح «تاریخ قرآن»

> **قرآن‌پژوهان در عنوان تاریخ قرآن، به‌دنبال بررسی مباحثی پیرامون سرگذشت قرآن کریم هستند که از لوح محفوظ توسط فرشته وحی بر پیامبر خدا نازل شده و تا امروز پیش‌روی ماست. این مباحث نیز، مطالب جدیدی نیست بلکه قرآن‌پژوهان متقدم نیز به این مطالب پرداخته‌اند و آنها را با عنوان علوم قرآنی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و از آنجا که دامنه مباحث علوم قرآنی گسترش یافته، برای بخشی از آن عنوان «تاریخ قرآن» انتخاب شده است.**

«تاریخ قرآن»، اصطلاح جدیدی است که پیرامون شناخت متن و صورت قرآن است و بر مجموعه‌ای از علوم قرآنی از قبیل: سرگذشت متن قرآن، وحی و کتابت آن، نزول و چگونگی مراحل آن، جمع و تدوین قرآن و... اطلاق می‌شود. در این نوشتار کوتاه، پس از اشاره به پیشینه این اصطلاح، عدم منافات آن با اصالت قرآن را بیان می‌کنیم و تا پایان برخی از آثار با عنوان «تاریخ قرآن» معرفی می‌شود.

پیشینه اصطلاح «تاریخ قرآن»

باید اذعان کرد گرچه اصطلاح «تاریخ قرآن» در کتاب‌های پیشینیان به چشم نمی‌خورد(۱) ولی مباحث مربوط به تاریخ قرآن به عنوان بخشی از «علوم قرآنی»(۲)- که از کهن‌ترین علوم اسلامی است و دانشمندان مسلمان از سده‌های آغازین اسلام به تدوین آن‌ها اهتمام داشته‌اند- مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.(۳)

با ورود مستشرقان به عرصه تحقیق در زمینه علوم اسلامی، بخشی از علوم قرآنی که به پدیده وحی و نزول و چگونگی مراحل نزول و جمع و تدوین قرآن و... مرتبط می‌شد، تاریخ قرآن (The History of the Quran) نام گرفت.(۴) گرچه قرآن‌پژوهان مسلمان، ابتدا اصطلاح «تاریخ قرآن» را پذیرا نشدند و در مواجهه با آن رویکرد انتقادی داشتند ولی رفته‌رفته در میان اندیشمندان مسلمان معاصر نیز این گرایش به وجود آمد که در جهت رفع ابهامات و اشکالات طرح شده از سوی مستشرقان، تحقیقات گسترده‌تری در این زمینه انجام دهند. از این‌رو، تاریخ قرآن به‌عنوان مبحثی جداگانه در علوم قرآنی مطرح و مقالات و رساله‌ها و کتاب‌های فراوانی در این ارتباط تألیف شد.

آیا اصطلاح تاریخ قرآن با اصالت و الهی بودن قران منافات دارد؟

اصطلاح «تاریخ قرآن» مشتمل بر مجموعه‌ای از دانش‌های قرآنی است که به شناخت و سرگذشت متن قرآن و کتابت وحی و جمع و تدوین این کتاب وحیانی مربوط می‌شود.(۵) تعبیر «تاریخ» بازگویی سرگذشت هر موضوعی است و عنوان «تاریخ قرآن» به‌طور مشخص در صدد بازگویی سرگذشت قرآن کریم و چگونگی نزول آن از لوح محفوظ و مراحل جمع و تدوین آن است و منافاتی با الهی بودن قرآن ندارد. همچنین این تعبیر، به هیچ‌وجه بیانگر گردآوری قرآن پس از رسول خدا نیست، بلکه چگونگی جمع‌آوری و تدوین آن در زمان پیامبر و نیز دیگر مراحل آن پس از پیامبر را بازگو می‌کند.(۶) بنابراین، قرآن‌پژوهان در عنوان تاریخ قرآن، به‌دنبال بررسی مباحثی پیرامون سرگذشت قرآن کریم هستند که از لوح محفوظ توسط فرشته وحی بر پیامبر خدا نازل شده و تا امروز پیش‌روی ماست. این مباحث نیز، مطالب جدیدی نیست بلکه قرآن‌پژوهان متقدم نیز به این مطالب پرداخته‌اند و آنها را با عنوان علوم قرآنی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و از آنجا که دامنه مباحث علوم قرآنی گسترش یافته، برای بخشی از آن عنوان «تاریخ قرآن» انتخاب شده است.(۷)

معرفی برخی آثار پیرامون «تاریخ قرآن»

مباحث مربوط به تاریخ قرآن، از دوران اولیه در میان منابع اسلامی و کتاب‌های علوم قرآنی آمده است ولی در دوران متأخر این اصطلاح برجسته شده و به‌عنوان سرفصل مجزا و نیز نام کتاب‌های متعددی قرار گرفته است.

علاوه بر مطالعات و پژوهش‌های مستشرقانی چون: تئودر نولدکه، ایگناتس گلدزیهر، آرتور جفری، ریچارد بل و رژی بلاشر تک‌نگاری‌هایی نیز از جانب قرآن‌پژوهان مسلمان با همین عنوان نگاشته شده است که در این مجال، چند مورد از آن‌ها به صورت خیلی مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. در میان قرآن‌پژوهان مسلمان، نخستین کتاب با نام «تاریخ قرآن»، از طرف مجتهد زنجانی (۱۳۰۹ - ۱۳۶۰ق.) انتخاب شد.(۸) ابوعبدالله مجتهد زنجانی، «تاریخ القرآن» خود را در ۸۰ صفحه به سال ۱۹۳۵م. - سال ۱۳۵۴ق. در قاهره انتشار داد. ترجمه این اثر توسط ابوالقاسم سحاب، در سال ۱۳۱۷ ش. انتشار یافت.(۹)

۲. تاریخ قرآن تألیف محمود رامیار، که اولین کتاب فارسی در موضوع «تاریخ قرآن» است. این اثر نخستین‌بار در سال ۱۳۴۶ش، سپس با ویرایش جدید و حجمی بیش از دو برابر حجم طبع اوّل، در ۱۳۶۲ ش انتشار یافت. تاریخ قرآن رامیار در مقایسه با دیگر کتاب‌های نوشته شده با همین عنوان، امتیاز و برجستگی دارد.(۱۰) رامیار در این کتاب ارزشمند از منابع و مأخذ فراوان بهره جسته و با دقّتی مضاعف و رعایت اصول پژوهش، به تتّبع و تحقیق در موضوع تاریخ قرآن کریم پرداخته است. رامیار، نظرگاه شیعه امامیه اثنی‌عشریه را در مسائل قرآنی و اعتقادی (از قبیل: عصمت رسول اکرم، اثبات بی‌اصل بودن افسانه غرانیق و نظایر آن) منعکس می‌کند. این کتاب از نثری استوار و متین و بیانی ساده و روان برخوردار است.(۱۱) و در دومین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران بهترین کتاب سال شناخته شده است.(۱۲) این اثر به عربی ترجمه نشده و از این‌رو در جهان اسلام ناشناخته مانده است.(۱۳)

۳. «تاریخ القرآن» اثر عبدالصبور شاهین که در سال ۱۹۶۶ق. در قاهره توسط انتشارات دارالقلم نشر یافته است.(۱۴)

۴. «تاریخ القرآن» تألیف محمدسالم محیسن که توسط انتشارات «مؤسسه جامعه الشباب» در سال ۱۴۰۱ق. انتشار یافته است.

۵. «تاریخ القرآن» تالیف محمدحسین علی الصغیر که از سوی انتشارات «دار العالمیه» در سال ۱۴۰۳ق. در بیروت به چاپ رسیده است.

۶. «تاریخ القرآن» أثر محمد طاهر بن عبد القادر کردیّ مکیّ که در سال ۱۳۶۵ق. به نگارش در آمده است.

۷. تاریخ و علوم قرآن تألیف سید ابوالفضل میرمحمدی که از سوی انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ مجدد یافته است.

۸. تاریخ و علوم قرآن تألیف علی حجتی کرمانی که در سال ۱۳۶۰ش. توسط بنیاد قرآن تجدید چاپ شده است.

۹. تاریخ قرآن تألیف محمد عزّت دَروَزَه که توسط محمدعلی لسانی فشارکی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۴۰۱ق. از سوی مرکز نشر انقلاب چاپ شده است.

۱۰. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم تألیف سید محمدباقر حجتی که توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چندین مرتبه نشر یافته است.

نتیجه

اصطلاح «تاریخ قرآن» مشتمل بر مجموعه‌ای از دانش‌های قرآنی است که به شناخت و سرگذشت متن قرآن و کتابت وحی و جمع و تدوین آن مربوط می‌شود. گرچه این تعبیر، اصطلاح جدیدی است ولی مباحث و مطالب این موضوع، بخشی از مباحث و موضوعات علوم قرآنی است که در کتاب‌های پیشین مورد